

سخنان فاکس وزیر دفاع دولت انگلستان بیان صریحی از نیات شوم و اهداف پلید قدرتهای امپریالیستی در افغانستان است.

طبق گزارش سایت فارسی بی بی سی، فاکس وزیر دفاع بریتانیا قبل از سفرش به کابل بتاريخ 22 می مقاله ای برای روزنامه "تایمز" نوشت و در آن تصریح کرد که: "حضور نیروهای بریتانیایی در افغانستان برای امنیت جهان و بریتانیا در آنجاست"، همچنین آقای فاکس در این مقاله اش گفته است: "ما برای این در افغانستان نیستیم که به یک کشور شکست خورده قرن سیزدهمی کمک کنیم". بلکه بخاطر مردم بریتانیا و امنیت جهانی در آن حضور داریم".

قبل از اینکه به این مطلب به پردازیم باید تذکر داد که در طول تاریخ، نیات و اغراض شوم و اهداف پلید و غارتگرانه استعمار و امپریالیسم علیه ملت اسیر و مظلوم جهان مشخص بوده و تاریخ استعمار و سرمایه و امپریالیسم مشحون از جنایت و وحشت و غارتگری علیه آنهاست. با آنکه این قدرتهای اهریمنی همیشه سعی کرده اند تا اهداف و اغراض خاینانه و جنایتبارشان را علناً اظهار نکرده و با هزار حيله و نیرنگ و ترفندهای استعماری و امپریالیستی روی آن پرده اندازند. و نیز قلم بدستان خادم و مزدوری را گماشته اند تا با نوشتن مقاله ها، رساله ها و کتب حضور استعمار و امپریالیسم را برای توده های مردم ناآگاه توجیه کنند. و از طرفی هم ملاحا و روحانیون مرتجع نوکر استعمار و امپریالیسم با استفاده از باورهای دینی و مذهبی توده های مردم آنها را اغوا کرده و فئودالان و خوانین و تاجران دلال وابسته استعمار و امپریالیسم با استفاده از پیوندهای قبیله ای و طایفه ای و قومی توده های خلق را فریب داده و کوشیده اند تا آنها را به اطاعت از شاهان و امیران و روسای دولتهای دست نشانده استعمار و امپریالیسم ترغیب کنند. اما برخلاف گاهی هم شده است که افرادی مانند آقای فاکس اغراض و اهداف قدرتهای استعماری و امپریالیستی را در کشورهای تحت سلطه صراحتاً بیان کرده اند. ناگفته نماند که نیرنگهای استعمار و امپریالیسم برای همیشه کارگرنیفتاده و توده های مردم تحت رهبری رهبران ملی و آزادی خواه شان بر ضد استعمارگران و امپریالیستیهای اشغالگر بپاخاسته و شکستهای سختی را بر آنها تحمیل کرده و آنها را از کشورشان بیرون رانده اند.

آقای فاکس در این سخنان اش کنه اهداف امپریالیستی استعماری دولت های بریتانیا و امریکا و شرکایش در افغانستان و منطقه را بدون پرده پوشی بیان کرده است. او در این مورد راست می گوید که قدرتهای امپریالیستی برای کمک به مردم افغانستان نیامده اند؛ بلکه اینها در افغانستان و منطقه اهداف غارتگرانه امپریالیستی خود شان را تعقیب می کنند. این مطلب را نیروها و اشخاص مترقی و مبارز کشور از همان اولین روز تجاوز نظامی امریکائیان و بریتانیاییان ابراز داشته و مردم را از گرفتاری دوباره آنها در دام استعمار نوع قرن بیست و یکمی آن هوشدار دادند. لیکن بالمقابل عناصر روشنفکر نما و خاین به خلق و میهن در داخل و خارج کشور در کنار سایر گروه ها و باندهای جانی و مزدور قرار گرفته و حضور ارتشهای امپریالیستهارا خیر مقدم گفته و تشکیل دولت مستعمراتی را آغاز «دورنوی» در کشور خوانده و آنرا برای «ترویج دموکراسی و آوردن رفاه و ترقی» در جامعه تبلیغ کردند. از جانب دیگر آقای فاکس شیدانه و خاینانه نقش مخرب و تباہ کن دولت بریتانیا را بعد از سال 1838 میلادی علیه مردم و کشور افغانستان از یاد می برد. همچنین او نا بخردانه نقش جنایتبار و تباہ کن دولت سوسیال امپریالیسم شوروی و دولتهای ارتجاعی منطقه خاصاً دولت پاکستان و ایران و عربستان سعودی و مزدوران جانی و قاتل آنها را خاصاً در دو دهه اخیر قرن بیستم، اغماض می کند. این نماینده امپریالیسم انگلیس عمداً به جنایات دولت امریکا و انگلستان و متحدین آنها در طی ده سال اخیر علیه مردم و خاک افغانستان کوچکترین توجهی نکرده و سبک مغزانه با تمسخر افغانستان را کشوری شکست خورده و عقب مانده در سطح قرن سیزدهم میلادی تعریف می کند. در حالیکه در طول تاریخ علت عمده این همه عقب ماندگیهای مردم و کشور افغانستان قدرتهای سلطه گرو استعماری و امپریالیستی منجمله دولت استعمارگران انگلیس و نوکران بومی آنها بوده

و هستند. این سرزمین بنا بر موقعیت جغرافیائی سیاسی آن در قاره آسیا در طول صدها سال همواره مورد حملات وحشیانه و تاخت و تازها سلطه گران غارتگر واقع شده و هر بار ویرانیهای غیر قابل جبرانی را بر آن وارد کرده و همه دست آوردهای مادی و معنوی مردمان این خطه را به نابودی کشیده اند. در حالیکه سرزمین افغانستان دارای خاک حاصل خیز بوده و دارای منابع طبیعی سرشار و ذخایر نفت و گاز، مس، آهن، ذغال سنگ، بیرایت، یورانیم، احجار قیمتی و چندین نوع عناصر دیگر بوده و مردم آن دارای هوشمندی و استعداد لازم برای رشد و تکامل خود و ترقی کشورشان بوده و هستند. مردم افغانستان در طی تاریخ وجودی شان باکمال رشادت و دلیری در برابر متجاوزین و سلطه گران خارجی ایستاده و تپای جان مقاومت کرده اند. این مردم آزادی خواه در صدهای اخیر خصوصاً از ابتدای دهه چهارم قرن نوزدهم میلادی تا اخیر دهه دوم قرن بیستم سه بار پوز بزرگترین ابر قدرت استعماری و امپریالیستی انگلیس را که با اصطلاح (آفتاب در سرزمینهای تحت سلطه استعماری اش سقوط نمی کرد) بخاک مالیده و شکست نظامی فضاحتباری را بر آن تحمیل کردند. جنگ سوم افغانها با انگلیسها منجر به استقلال سیاسی کشور و آزادی ملی گردید، و مردم ما فرصت یافتند تا گامهای رادرجت رشد و ترقی کشورشان و رهائی از ظلمت جهل و عقب ماندگی بردارند؛ اما استعمارگران انگلیس که در میدان نبرد نظامی ضرب شست مردم دلیر افغانستان را دیده و شکستهای مفتضحانه ای را متحمل شده بودند در صدد انتقام گیری از آنها بودند. همان بود که بار دیگر استعمارگران کهنه کار انگلیس با نیرنگهای استعماری شان وارد صحنه شده و با اتکاء بر طبقات ارتجاعی ملاک و خوانین و تاجران دلال و ملاها و روحانیون مرتجع دولت ملی افغانستان تحت رهبری پادشاه امان الله خان را سقوط داده و یک نفر رهن معلوم الحال بنام حبیب الله (بچه سقاء) را موقتاً بقدرت رسانده و زمینه را برای ابرای حاکمیت نادر خان و خاندان او آماده نمودند که برای نیم قرن مردم و کشور را در قهقرای عقب ماندگی، فقر و فلاکت و جهل و بیسوادی نگهداشته و جلوه نوع ترقی و پیشرفت مردم و کشور را سد کردند. ولی این اجنت سرمایه و امپریالیسم بریتانیا در قرن بیست و یکم در حالی که دولت متبوع اش در کنار امپریالیسم امریکا و سایر شرکای شان مردم افغانستان را در منگنه سلطه استعماری شان عذاب می دهند؛ بیشتر مانع و طعنه وار عقب ماندگی مردم و کشور افغانستان را به سخریه می گیرد. این خردباخته فراموش می کند که در طی ده سال اخیر دولت های امریکا و انگلیس، فرانسه، آلمان، هالند، کانادا، استرالیا و سایر هم پیمان شان که افغانستان و مردمان آنرا به زنجیر استعماری شان کشیده و جانی ترین نیروها و افراد خاین به خلق و میهن را بر آنها حاکم ساخته و با ده ها هزار ارتشهای شان از آنها حمایت می کنند. این قدرتهای اهریمنی بدون هیچ گونه شرمی پیوسته از «رشد دموکراسی، آزادی زنان، و ترقی و رفاه مردم» افغانستان صحبت دارند و صدها رسانه کتبی و صوتی و تصویری به پول آنها در این زمینه مشغول یافه سرائی هستند تا حضور نیروهای اشغالگرو اهداف شوم آنها را در افغانستان و منطقه توجیه کنند. همچنین این نوکر سرمایه امپریالیسم انگلیس فراموش میکند که در طی سی سال اخیر در کنار استعمارگران روسی و مزدوران خلقی پرچمی و سزائی آن؛ دولت انگلیس و امریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی متحد آنها در منطقه هزاران زخم ناسور را بر پیکر این مردم و این میهن وارد کرده اند و بار دیگر برای مدت یک قرن این کشور را بعبق کشانده اند. بعد از شکست نظامی سوسیال امپریالیسم روس توسط مردم آزادی خواه افغانستان در اخیر دهه هشتاد میلادی؛ همین دولتهای امریکا و انگلیس بکمک دولتهای ارتجاعی پاکستان و ایران و سعودی؛ جانی ترین نیروهای اسلامی قرون وسطائی را در کنار باندهای آدمکش خلقی پرچمی و ملیشه ای بر مردم افغانستان مسلط ساختند و بعد طالبان و گروه های ارتجاعی اسلامی عرب قرون وسطائی و طالبان پاکستانی را بر مردم عذاب کشیده ما حاکم کردند و کشور را تحت قیمومیت دولت پاکستان این نوکر سابقه دار دولت انگلیس قرار دادند.

وقوع حادثه 11 سپتمبر 2001 زمینه را برای تحقق نقشه ها و اهداف پلید دولت امریکا و انگلیس در افغانستان و منطقه مهیا نمود و مردم بلاکشیده ما بار دیگر پایمال ارتشهای متجاوزین و استعمارگران گردید. در طی ده سال اخیر که قوای نظامی دولت انگلستان عمدتاً در ولایت هلمند مستقر هستند و مانند ارتش های امریکا و سایر ارتشهای اشغالگر به کشتار مردم و ویرانی این مناطق ادامه می دهند؛ مصروفیت عمده آنها را خرید و فروش و حمل و نقل مواد مخدر، هیروئین و وحشیش تشکیل می دهد.

ودر طی این سالها ده ها میلیارد دلار کمائی کرده اند. موضوع دیگر اینکه برخلاف ادعای دولت انگلستان ارتش این کشور در هلمند بیش از همه زمینه نفوذ و تسلط نیروهای طالب و القاعده را در این ولایت میسر کرده است. این موضوع چندین بار توسط رسانه های کشورهای غربی، دولت مزدور و اهالی محل افشا شده است. حتی روز قبل و لسوال موسی قلعه درباره همکاری ارتش انگلیس با طالبان مصاحبه ای انجام داد. و نیز در طی سالهای اخیر چندین بار درباره تحویل دهی اسلحه توسط ارتش انگلستان برای گروه های چریکی طالبان در ولایت هلمند و ملاقات های مخفی نمایندگان این دولت با طالبان توسط رسانه های داخلی و خارجی افشا شده است ولی بعداً مسکوت ماند. و نیز در طی دو سال اخیر دولت انگلیس بار بار موضوع بقدرت رساندن طالبان را مطرح کرده است. البته بیان این مطالب از این جهت نیست که از امپریالیستها و مرتجعین توقع غیر از این را می توان داشت؛ بلکه این تذکره منظور افشای بیشتر ماهیت و سرشت استعمار و امپریالیسم و عملکردهای غارتگرانه آنها علیه خلقها و ملل تحت ستم و افشای هر چه بیشتر اراجیف و لاطیالات آقای فاکس وزیر دفاع دولت انگلیس است که بسیار کودکانه افغانستان را کشوری شکست خورده قرن سیزدهمی خوانده و به علل و عواملی که موجب این عقب ماندگی مردم و کشور افغانستان شده است جزئیترین توجهی نمی کند. و عمده ترین علت عقب ماندگی و یارشد نهایت بطی کشورهای تحت سلطه در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین در طول صدها سال همین قدرتهای استعماری و امپریالیستی منجمله استعمارگران انگلیس و طبقات حاکم ارتجاعی مزدور آنها بوده و هستند. و در مورد افغانستان حد اقل از یکصد و هفتاد سال باین طرف خاصاً در سه دهه اخیر آن همه بلایا و مصایب و بدبختی ها و عقب ماندگیهای مردم افغانستان ناشی از تجاوزات و مداخلات مستقیم و غیر مستقیم دولت استعماری و امپریالیستی انگلستان، اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی و امپریالیسم امریکا و متحدین آن و نوکران داخلی آنها بوده و هستند.

در کشورهای تحت سلطه خاصاً کشورهای اسلامی، طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و قشر روحانیت مرتجع و خود فروخته اتکای اصلی قدرتهای استعماری و امپریالیستی را تشکیل می دهند. و امپریالیسم نظریه سرشت آن ارتجاع گستر است سرمایه و امپریالیسم با غارتگری و استثمار و ستم میتواند به حیاتش ادامه دهد. تاریخ شاهد است که زمانی استعمارگران و امپریالیستها خواسته اند به کشوری تجاوز کرده و بر آن مسلط گردند؛ در ابتدا قشر معینی از ارتجاع بومی را با خود همراه کرده اند؛ چه این قشر از قماش روحانیون و فئودالان و یا در تاریخ معاصر از سنخ گروه های جهادی و طالبان بوده و چه مانند گروه های خلقی پرچمی و سایر گروه های ارتجاعی تحصیل کرده و به اصطلاح روشنفکر؛ بعد به این کشورها هجوم آورده و مردمان مظلوم و بی دفاع این کشورها را به زنجیر استعماری شان کشیده اند.

دولت های امریکا و انگلیس و متحدین آنها در طی ده سال اخیر با تبلیغات پوچ اذهان مردمان کشورهای شان را مغشوش ساخته و طوری وانمود کرده اند که صرف ده ها میلیارد دلار از پول مالیه دهندگان این کشورها و ریختن خون بیش از یک هزار و پنجاه تن از فرزندان مردمان این کشورها جهت « جنگ علیه تروریسم» و «حفظ امنیت» مردمان شان بوده است. در حالیکه همه اینها در جهت تحقق اهداف سرمایه و امپریالیسم به مصرف رسیده است. این دولتها با تمسک به حملات انتحاری گروه های اسلامی تربیت یافته خودشان (که در جهت پیشبرد اهداف سرمایه آنها سازماندهی و تربیت کرده اند) مردمان کشورهای شانرا ترهیب کرده و حضورشان در افغانستان را جهت جلوگیری از این حملات عنوان کرده و می کنند. در حالیکه برخلاف ادعای وزیر خارجه و دفاع انگلیس و سایر دولتهای امپریالیستی که در افغانستان قوای نظامی دارند؛ حضور این نیروها نه بخاطر دفاع از مردمان کشورهای شان و مردم افغانستان که در جهت تحکیم سلطه سرمایه بر مناطق مهم استراتژیک و منابع انرژی و نیروی کار ارزان و بازارهای وسیع قاره آسیا هستند. استعمار و سرمایه و امپریالیسم در طول تاریخ هستی اش علیه خلقهای خودی و خلقهای کشورهای تحت تسلط شان چنین عمل کرده اند و در آینده نیز چنین خواهند کرد. و تا زمانیکه توده های خلق در کشورهای تحت سلطه و در کشورهای سرمایه داری بیدار نشوند و به آگاهی سیاسی و واقعاً انقلابی دست نیابند و با قهر انقلابی به سلطه نکتبنا سرمایه و امپریالیسم و نظام های فئودال کمپرادوری خاتمه ندهند، وضع در جهان بر همین منوال خواهد بود. و امپریالیسم بین المللی با امکانات گسترده ای که در اختیار دارد، همیشه قشر معینی از این کشورها را خریده و بر سایر کتله های مردم حکم

می راند و به استثماریستم آنها ادامه می دهد. و یگانه راه نجات خلقها و ملل تحت ستم مبارزه انقلابی رهائی بخش آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع بین المللی است. و از این طریق است که می توانند از شر استثماریستم و جنایات و غارتگریهای سرمایه و امپریالیسم و نوکران بومی آنها رهائی یافته و بر سر نوشت شان حاکم گردند و جهانی نوین فارغ از هر نوع استثماریستم و بی عدالتی اعمار کنند.